از پیرانشهر تا بندرعباس؛ روایت شهرهایی که هدف حملات قرار گرفتند اما زندگی در آن‌ها متوقف نشد

شور زندگی از شمال تا جنوب

ایرنا

در حملات اخیر اگرچه توجه افکار عمومی معطوف به محل اصابت موشک‌ها، شمار شهدا و خسارت‌ها بود، اما فرایندی که کمتر دیده می‌شود بازسازی روحیه اجتماعی است که نشانه‌های آن در باز شدن دوباره مغازه‌ها، حرکت اتوبوس‌ها، فعالیت نانوایی‌ها و صف‌های خرید روزانه دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که می‌گوید زندگی هنوز جریان دارد

بابک رحیمیان | صبح جمعه هنوز سپیده به‌طور کامل بر آسمان ننشسته بود که صدای انفجار، سکوت چند شهر ایران را در هم شکست.

اهواز، بندرعباس، قشم، پیرانشهر، خرم‌آباد، نایین، خنداب و چند نقطه دیگر، روزشان را نه با زنگ ساعت، که با صدایی آغاز کردند که هیچ هموطنی آرزوی شنیدنش را نداشت.

هنوز دقایقی از انفجارها نگذشته بود که آژیر آمبولانس‌ها، خودروهای آتش‌نشانی و نیروهای امدادی در خیابان‌ها پیچید؛ آژیرهایی که خبر از زخمی تازه می‌دادند و از تلاشی بی‌وقفه برای نجات جان انسان‌ها حکایت داشتند.

نام این شهرها از همان ساعات نخست، بارها در صدر اخبار نشست و هر کدام سهمی از تلخی این حملات را با خود داشتند؛ جایی خانواده‌ای عزادار شد، جایی زیرساختی آسیب دید و جایی دیگر اضطراب میهمان خانه‌ها شد اما آنچه چند ساعت بعد در این شهرها دیده شد، روایتی متفاوت از آن چیزی بود که تیترهای خبری بازگو می‌کردند.

خورشید که بالاتر آمد، شهرها آرام‌آرام چهره دیگری به خود گرفتند؛ نانوایی‌ها دوباره تنورهایشان را روشن کردند، مغازه‌داران کرکره‌ها را بالا کشیدند، رانندگان در خیابان‌ها به حرکت درآمدند و رفت‌وآمد مردم، نبض زندگی را دوباره در شهرها به جریان انداخت. انگار مردم پیش از آنکه آوارها به‌طور کامل جمع شوند، تصمیم گرفته بودند نگذارند زندگی زیر سایه انفجارها متوقف بماند.

در روزهایی که خبرها معمولاً با آمار شهدا، مجروحان و خسارت‌ها آغاز می‌شوند، کمتر کسی از زندگی‌هایی می‌گوید که با همه نگرانی‌ها همچنان ادامه دارند؛ از پدری که باید راهی محل کار شود، از مادری که خرید روزانه خانه را به تعویق نمی‌اندازد، از نانوایی که باید نان صبح مردم را آماده کند و از امدادگری که پیش از طلوع آفتاب خود را به محل حادثه رسانده است.

شاید مهم‌ترین روایت این روزها، نه محل اصابت موشک‌ها، بلکه همین تلاش خاموش مردم برای حفظ جریان عادی زندگی باشد؛ مردمی که می‌دانند هر چند جنگ می‌تواند دیوارها را ویران کند، اما اگر امید و زندگی در کوچه‌ها و خیابان‌ها جاری بماند، روح شهر همچنان زنده خواهد ماند.

از پیرانشهر تا اهواز و از بندرعباس تا خرم‌آباد، روایت مشترک شهرها فقط صدای انفجار نبود؛ روایت اصلی، همدلی مردمی و تلاش بی‌وقفه نیروهای امدادی و خدماتی برای بازگرداندن آرامش است و شاید همین جا مرز میان روایت نظامی و روایت اجتماعی آشکار می‌شود؛ جایی که خبر حمله پایان می‌یابد و قصه ایستادگی، کار، زندگی و امید مردم آغاز می‌شود.

شهرها فقط محل حادثه نیستند

در خبرها، نام شهرها معمولاً کنار واژه‌هایی مانند «حمله»، «انفجار» یا «خسارت» قرار می‌گیرد؛ اما هیچ شهری را نمی‌توان در چند سطر خبر خلاصه کرد.

پیرانشهر فقط نقطه‌ای روی نقشه نیست؛ شهری است که پیش از طلوع خورشید، بازارش آرام‌آرام جان می‌گیرد و کسبه برای آغاز یک روز کاری، کرکره مغازه‌هایشان را بالا می‌کشند.

خرم‌آباد نیز تنها نام شهری نیست که در فهرست حملات قرار گرفته؛ شهری است که زندگی در کوچه‌های قدیمی، پارک‌ها، خیابان‌ها و محله‌هایش جریان دارد و مردمش سال‌هاست با امید، روزهایشان را آغاز می‌کنند.

شاید به همین دلیل باشد که پس از هر حادثه، نخستین خواسته مردم بازگشت به زندگی عادی است، بنابراین باز شدن دوباره خیابان‌ها، از سر گرفته شدن خدمات شهری و روشن شدن چراغ مغازه‌ها، برای ساکنان این شهرها فقط نشانه پایان یک حادثه نیست؛ نشانه آن است که نبض شهر هنوز می‌تپد و زندگی با همه دشواری‌هایش ادامه دارد.

اهواز از حرکت بازنمی‌ایستد

در میان شهرهای مورد هدف قرار گرفته، اهواز بیشترین خسارت انسانی را متحمل شده است و بر اساس آمار رسمی حمله به اطراف این شهر در روز جمعه به شهادت چهار نفر از هموطنان و مجروح شدن پنج نفر دیگر انجامید و مناطقی در اطراف اندیمشک و امیدیه نیز هدف حملات قرار گرفتند.

برای اهواز، این نخستین روز سخت نبوده، زیرا این شهر سال‌هاست گرمای طاقت‌فرسا، گردوغبار، سیلاب و خاطره زخم‌های جنگ تحمیلی را با خود حمل می‌کند و شاید همین تجربه‌های تلخ به مردمش آموخته باشد که چگونه پس از هر بحران دوباره زندگی را از سر بگیرند.

صبح جمعه پس از حمله در کنار آمبولانس‌هایی که مجروحان را منتقل می‌کردند خودروهای خدمات شهری نیز در خیابان‌ها مشغول کار بودند تا آثار حادثه را از معابر پاک کنند تا شهر هر چه زودتر به ریتم همیشگی خود بازگردد و این همان تصویری است که اهواز بارها آن را تجربه کرده است؛ شهری که شاید زخمی شود اما از حرکت بازنمی‌ایستد.

چراغ بازار دوباره روشن شد

هر شهر پیش از هر چیز با حضور مردم زنده است و قلب آن در بازارها، خیابان‌ها و مراکز کسب و کار می‌تپد و اگر رفت و آمد مردم متوقف شود چرخ اقتصاد نیز از حرکت می‌ایستد. شاید به همین دلیل در بیشتر شهرهای آسیب‌دیده یکی از نخستین نشانه‌های بازگشت آرامش، بالا رفتن کرکره مغازه‌ها و حضور دوباره مردم در بازار است. نانوایی‌ها تنورهایشان را روشن کردند، فروشندگان پشت پیشخوان ایستادند و مشتریان هرچند با نگرانی اما خریدهای روزانه خود را انجام دادند.

این تصویر بیش از هر سخنی معنای تاب‌آوری را روایت می‌کند، یعنی مردم نمی‌خواهند بحران، زندگی روزمره را از آن‌ها بگیرد، بنابراین آن‌ها با ادامه کار، حفظ فعالیت‌های اقتصادی و حضور در کنار یکدیگر نشان می‌دهند حتی در روزهای دشوار نیز نبض زندگی در شهرهایشان از تپش نمی‌ایستد.

بندرعباس هنوز نفس می‌کشد

در جنوب کشور، بندرعباس یکی دیگر از شهرهایی بود که بامداد جمعه صدای انفجار را برای دفعات مکرر تجربه کرد.

متأسفانه حمله به محله «تپه الله‌اکبر» دو مجروح بر جای گذاشت و ترکش‌ها به چند ساختمان و بخشی از شبکه برق آسیب رساند و ساعتی بعد تصویر شهر دیگر فقط تصویر محل حادثه نبود.

نیروهای شرکت توزیع برق در کنار امدادگران، عملیات ایمن‌سازی و ترمیم شبکه را آغاز کردند، هلال احمر مجروحان را به مراکز درمانی انتقال داد و دستگاه‌های خدماتی برای رفع خطر وارد عمل شدند اتفاقی که شاید در خبرها تنها در چند سطر روایت شود، اما برای ساکنان محله معنایی فراتر داشت؛ اینکه خدمات عمومی از کار نیفتاده و شهر در حال بازگشت به روال عادی است.

در شهرهای بندری، زندگی با توقف سازگار نیست؛ کامیون‌هایی که باید بار جابه‌جا کنند، شناورهایی که باید پهلو بگیرند و بازارهایی که معاش هزاران خانواده به آن‌ها وابسته است، اجازه نمی‌دهند زندگی برای مدت طولانی متوقف بماند و شاید به همین دلیل بندرعباس خیلی زود دوباره چهره همیشگی خود را پیدا کرد.

بازگشت نبض زندگی در قشم

جزیره قشم نیز از حملات دشمن در امان نمانده است و بر اساس گزارش‌های رسمی مناطقی در سواحل جنوبی جزیره و محدوده روستای مسن هدف اصابت موشک قرار گرفته و نیروهای امدادی و امنیتی برای بررسی ابعاد حادثه در محل حاضر شدند.

اما قشم جزیره‌ای است که ریتم زندگی آن با دریا تنظیم می‌شود، ازاین‌رو صیادان، فعالان گردشگری، کسبه و خانواده‌هایی که زندگی‌شان با رفت و آمد شناورها گره خورده است بیش از هر چیز به ثبات و آرامش نیاز دارند، از همین رو پس از پایان عملیات امدادی تلاش برای حفظ روند عادی زندگی مهم‌ترین اولویت شهر بود.

در چنین شرایطی آرامش تنها یک احساس نیست؛ بخشی از سرمایه اجتماعی یک شهر است، سرمایه‌ای که اگر حفظ شود عبور از بحران نیز آسان‌تر خواهد بود.

خنداب و زیباکنار کمتر دیده شدند

برخی شهرها در صدر اخبار قرار می‌گیرند و برخی دیگر تنها در چند سطر خبر خلاصه می‌شوند؛ اما برای ساکنان آن‌ها حادثه تفاوتی ندارد.

حمله به منطقه‌ای از شهرستان «نایین» بدون تلفات جانی گزارش شد و در خنداب نیز دو پرتابه به نقطه‌ای خارج از شهر اصابت کرد و بررسی خسارت‌ها ادامه یافت. در زیباکنار گیلان نیز بخشی از تجهیزات یک مرکز نظامی آسیب دید اما بر اساس گزارش‌های رسمی، تلفات انسانی گزارش نشد.

شاید این شهرها کمتر در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفته باشند اما وجه مشترک آن‌ها با دیگر مناطق، تلاش برای حفظ آرامش و بازگرداندن خدمات عمومی بود، ازاین‌رو در همه این نقاط، مسئولان محلی از مردم خواستند اخبار را از منابع رسمی دنبال کنند و از دامن زدن به شایعات بپرهیزند.

قهرمانان گمنام این روزهای جنگ

در هر بحران، نخستین چیزی که مردم انتظار دارند بازگشت خدمات عمومی از جمله برق، آب، اورژانس، آتش‌نشانی، حمل و نقل و امدادرسانی است و باید اذعان کرد این خدمات ستون‌هایی هستند که اگر پابرجا بمانند شهر نیز می‌تواند روی پای خود بایستد.

در حملات اخیر نیز هزاران نفر از کارکنان دستگاه‌های خدماتی، بدون آنکه نامشان در خبرها تکرار شود ساعت‌ها در محل حادثه حضور داشتند؛ از امدادگرانی که مجروحان را انتقال دادند تا کارکنان شرکت برق که شبکه آسیب‌دیده را ترمیم کردند و نیروهای شهرداری که پاک‌سازی معابر را بر عهده گرفتند.

این افراد همان قهرمانان گمنام روزهای بحران هستند؛ کسانی که شاید هیچ گاه در تیتر اول روزنامه‌ها قرار نگیرند اما اگر نباشند بازگشت شهر به زندگی عادی بسیار دشوارتر خواهد بود.

جنگ روانی؛ بحران‌آفرینی دشمن در بحران

تقریباً در تمام اطلاعیه‌های رسمی استانداری‌ها یک جمله تکرار می‌شود: «اخبار را فقط از منابع رسمی دنبال کنید».

تکرار این توصیه اتفاقی نیست زیرا در روزهایی که هر تصویر و هر پیام می‌تواند در چند دقیقه هزاران بار بازنشر شود شایعات گاهی با سرعتی بیشتر از واقعیت حرکت می‌کنند و انتشار خبرهای تأییدنشده، آمارهای نادرست یا تصاویر قدیمی نه‌تنها کمکی به آگاهی عمومی نمی‌کند بلکه اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد، به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها در مدیریت بحران، «مدیریت جریان اطلاعات» است؛ موضوعی که مسئولان استانی نیز بارها بر آن تأکید کردند.

«امید» سرمایه‌ای که دیده نمی‌شود

در روزهای بحران، امید را نمی‌توان با عدد و آمار اندازه گرفت! امید در همان مغازه‌ای است که دوباره باز می‌شود، در راننده‌ای که مسیر همیشگی خود را طی می‌کند، در کارگری که به محل کارش بازمی‌گردد و در خانواده‌ای که تلاش می‌کند کودکانش کمترین تأثیر را از فضای پرالتهاب اطراف بگیرند.

زندگی اجتماعی دقیقاً از همین تصویرهای کوچک ساخته می‌شود؛ تصویرهایی که شاید در گزارش‌های رسمی جایی نداشته باشند اما واقعیت شهرها را بهتر از هر آماری روایت می‌کنند.

اگر در ساعات نخست صبح صدای آژیرها در شهرها شنیده می‌شود، اما چند ساعت بعد صدای دیگری جای آن را می‌گیرد و آن هم صدای زندگی است که دوباره در خیابان‌ها، بازارها و محله‌ها جریان پیدا می‌کند این شاید مهم‌ترین نقطه اشتراک همه شهرهای آسیب‌دیده باشد؛ اینکه مردم با وجود نگرانی و اندوه اجازه نمی‌دهند چرخ زندگی از حرکت بازبماند.

شهرها چگونه روی پای خود می‌ایستند؟

در ادبیات مدیریت بحران، بازسازی تنها به معنای تعمیر ساختمان‌ها، پل‌ها یا شبکه‌های خدماتی نیست، بلکه بخش مهم‌تر بازگشت اعتماد و آرامش به جامعه است؛ اینکه مردم احساس کنند هنوز می‌توانند برنامه فردای خود را بچینند، فرزندانشان را راهی مدرسه و کار کنند، مغازه‌شان را باز کنند و برای آینده تصمیم بگیرند.

در حملات اخیر نیز اگرچه توجه افکار عمومی بیشتر معطوف به محل اصابت موشک‌ها، شمار شهدا و مجروحان و میزان خسارت‌ها بود اما همزمان فرایند دیگری نیز در شهرها جریان داشت؛ فرایندی که کمتر دیده می‌شود و آن، بازسازی روحیه اجتماعی بود. این بازسازی را نه می‌توان با آمار سنجید و نه در قالب چند خبر کوتاه خلاصه کرد و نشانه‌های آن در باز شدن دوباره مغازه‌ها، حرکت اتوبوس‌ها، فعالیت نانوایی‌ها، حضور کارکنان بیمارستان‌ها، پاک‌سازی خیابان‌ها و حتی صف‌های خرید روزانه دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که می‌گویند زندگی هنوز جریان دارد.

خانواده‌ها؛ نخستین سنگر آرامش

در هر بحران نخستین جایی که فشار روانی را تحمل می‌کند خانواده است؛ والدینی که تلاش می‌کنند نگرانی خود را به فرزندان منتقل نکنند، سالمندانی که اخبار را با حساسیت بیشتری دنبال می‌کنند و جوانانی که در کنار نگرانی برای عزیزانشان باید کار و مسئولیت‌های روزانه را نیز ادامه دهند.

اگرچه گزارش‌های رسمی بیشتر بر عملیات امدادرسانی و آمار خسارت‌ها تمرکز دارند، اما واقعیت این است که هر حادثه، هزاران خانواده را نیز درگیر خود می‌کند؛ خانواده‌هایی که تلاش می‌کنند با حفظ آرامش اجازه ندهند فضای خانه به میدان اضطراب تبدیل شود.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از کارشناسان، خانواده را نخستین حلقه تاب‌آوری اجتماعی می‌دانند؛ جایی که امید، همدلی و آرامش از آن آغاز می‌شود و به جامعه گسترش می‌یابد.

آنچه در آمارها دیده نمی‌شود

آمار بخش مهمی از هر گزارش خبری است؛ چهار شهید، پنج مجروح، دو مصدوم یا چند ساختمان آسیب‌دیده، اما شهرها فقط با آمار تعریف نمی‌شوند و در پشت هر عدد، زندگی یک انسان قرار دارد؛ خانواده‌ای که داغدار شده یا امدادگری که ساعت‌ها در محل حادثه فعالیت کرده یا پزشکی که شیفت خود را طولانی‌تر کرده یا کارگری که فردای حادثه دوباره سر کار رفته، همین روایت‌های کوچک تصویر کامل‌تری از جامعه ارائه می‌کنند؛ جامعه‌ای که اگرچه آسیب می‌بیند، اما تلاش می‌کند از حرکت بازنماند.

مسیر کوتاه‌تر برای عبور از بحران

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روزهای بحران، شکل‌گیری حس همدلی است. تجربه حوادث مختلف در سال‌های گذشته نشان داده هر گاه حادثه‌ای رخ داده مردم نیز در کنار دستگاه‌های امدادی برای کمک به یکدیگر وارد میدان شده‌اند.

در حملات اخیر نیز حضور سریع نیروهای امدادی، همکاری دستگاه‌های اجرایی و همراهی مردم برای حفظ نظم و آرامش، بخشی از همین سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که در شرایط عادی شاید کمتر به چشم بیاید، اما در روزهای دشوار ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد، ازاین‌رو جامعه‌ای که بتواند همدلی را حفظ کند، مسیر کوتاه‌تری برای عبور از بحران خواهد داشت.

جدول ۹۴۹۷

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

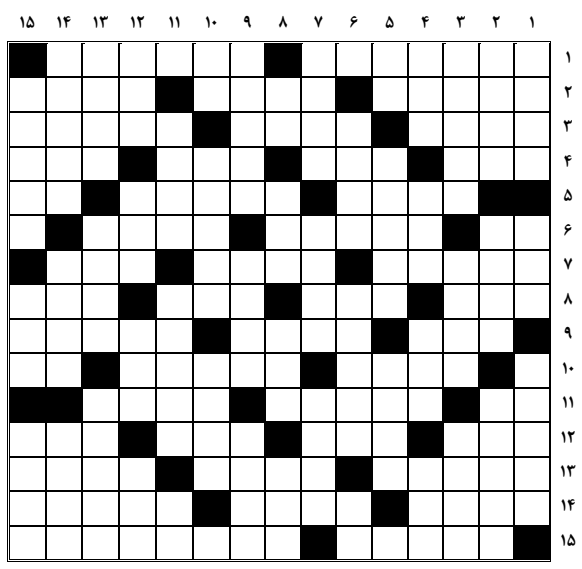

افقی

۱. برای جلوگیری از حملات یأجوج و مأجوج ساخته شد - عزت قائل شدن ۲. عروس خاورمیانه – هستی – صبر زرد ۳. طایفه‌ای آسیایی - افسانه‌گو - نسبت داده شده ۴. مرزبان – زندان – غمگین - پسوند شباهت ۵. واخواست سفته - ابزار ردزنی - ماه سرد ۶. تکیه دادن - صبح کاذب - سیاره زهره ۷. نام قدیمی این شهر استان گلستان «دژ سفید» بوده - بیهوده- عضو دفاعی بعضی حیوانات ۸. نثار کردن - سال قبل - افراد یک کشور – زخم ۹. بافتن – توگوشی - اصالت ۱۰. از چهار عمل اصلی ریاضیات - عضو جونده - گریختن ۱۱. مایه آبادانی - واحد غیررسمی پول کشورمان - کشور شکر ۱۲. نقره - ظرف پذیرایی - واحد طول - ماهی ۱۳. از خرج کردن ابایی ندارد - ضخیم- آشوب و فتنه ۱۴. کاشف الکل – در امان خداست - خواندن از روی کتاب ۱۵. دارای عیب و عار - فیلسوف هلندی قرن ۱۷ خالق «اخلاقیات»

عمودی

۱. ریخته‌گر - کلام گزافه - پستی در زمین والیبال ۲. ظرف سنگی طبخ غذا – سرنوشت - ترازنامه ۳. محله‌ای باصفا در ری – ایستاده – گنجینه ۴. نیروی محرک ساعت‌های قدیمی با آن تأمین می‌شد - بی‌حال – پول خرد یانکی‌ها - بعضی در کفش دارند ۵. الفبای موسیقی - دریچه اطمینان - کجاوه ۶. شناسنامه - نام‌ها - ضمیر خودخواهی ۷. ساری و جاری – فراق - از درجات روحانیت مسیحی ۸. جام معروف – آزاد – نزد - زر ۹. دعاهای زیر لب - اشاره به نزدیک - بنیان‌گذار ۱۰. مجازات شرعی - از گرایش‌های مقطع کارشناسی ارشد رشته عمران - طبیب ۱۱. وسط - درشت هیکل - از مبطلات روزه ۱۲. استخوانی در پا - نام این پدر و پسر آمریکایی جنگ را یادآور می‌شود – کنار - پایتخت سوئیس ۱۳. نوعی شیپور - نام دخترانه وطنی - قوم اروپایی ۱۴. سازمان جاسوسی رژیم جنایتکار صهیونیستی – قلعه‌ای که به‌دست امام علی(ع) گشوده شد - کشمش ۱۵. ظرف سفالی لوله‌دار با دسته - دشنام دادن - اجرای حرکات نمایشی در کاراته
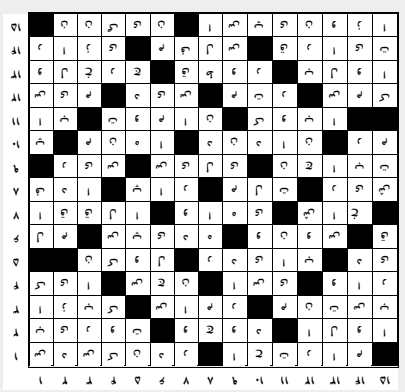
حل جدول